

فصل اول

کلیات

بیان مساله :

آگاهان به مسائل آموزش و پرورش معتقدند که آموزش و پرورش در جهان امروز به منزله اساسی ترین نهاد اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. مدرسه مهم ترین پایگاه آموزشی و تربیتی در جامعه است. هر روز تعداد زیادی از دانش آموزان بیشترین ساعات روز را در مدرسه می گذرانند و شخصیت اجتماعی آنها در آنجا شکل می گیرد و آموزشهای لازم را می بینند و این آموزش آنگاه بکار می آید که زمینه ای برای تغییر در نوآموز گردد چنانچه او را به انجام کاری توانا سازد و بر امکانهای او بیفزاید یعنی زمینه ای برای پرورش است که همانا به کار آمدن تواناییهاست. آموزش هنگامی سودمند است که به شکوفایی استعدادها بیانجامد، و این امر تنها با تکیه بر مباحث نظری صرف در کلاسهای درس میسر نمی شود و لازم است در کنار مباحث نظری، فعالیتهای خارج از کلاس درس برای شکوفا شدن استعدادهای صورت بگیرد و در ایران برای این منظور واحدی به نام امور تربیتی در مدارس تشکیل شده است و این واحد ضمن اینکه وظیفه خطیر جذب نوآموزان به سوی ارزشهای اسلامی و ایرانی مورد تاکید انقلاب اسلامی را داراست وظیفه اجرای فعالیتهای فوق برنامه را در مدارس به عهده دارد. مساله پژوهش حاضر بررسی فعالیتهای فوق برنامه در دوره ابتدایی یعنی سنین بین ۷ تا ۱۲ سالگی می باشد. این دوره را که معلمان، دوره آموزش مقدماتی و یادگیری اصول و مبادی دانش و علم معرفی می کنند کودک باید مهارتهای ضروری مشخصی را که هم در متن برنامه های آموزش و پرورش است و هم به صورت فعالیتهای فوق برنامه پیش بینی شده است فرا بگیرد. در این دوره روانشناسان اعتقاد دارند که کودک به دسته و گروه گرایش دارد یعنی دوره ای است که کودک به پذیرفته شدن در گروه و دسته توجه زیادی دارد و بسیار تلاش می کند تا خود را

از نظر ظاهر، گفتگو و رفتار با دسته و گروه همسالان خود تطبیق دهد به همین علت روانشناسان این سنین را سن همانندسازی نامگذاری کرده اند. (سیف، ۱۳۷۰، ص ۲۸۱ تا ۲۸۴)

از بیش تر دانش نامه های مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت تنها یک مورد در دهه هفتاد مدخلی به نام فعالیتهای فوق برنامه داشته است. این مفهوم ابهام زیادی دارد و به نظر می رسد از اواخر قرن بیستم، اندک اندک با تغییر مفهوم برنامه درسی در نظریه های برنامه ریزی درسی و چالش های پیش روی نظام آموزشی این مفهوم جایگاه خود را از دست داده است. توجه به یادگیری به جای آموزش و توجه به قابلیت ها به جای موضوع از نشانه های تغییر مفهوم برنامه و انبساط معنایی آن است. بر این اساس تمامی تجربیات دانش آموزان در مدرسه، تحت عنوان برنامه درسی قرار می گیرد، به سخن دیگر فوق برنامه در برنامه مفهوما و عملا جذب می شود. در خصوص اصطلاح "فعالیت های فوق برنامه" باید گفت که اگر چه در مقایسه با موضوعات دیگر مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات تعلیم و تربیت است، اما ریشه های فکری آن به دوران قبل باز می گردد. فوق برنامه بر این فرض استوار است که مدرسه در اساس یک برنامه اصلی و اساسی دارد که همان مواد درسی است و فوق برنامه در کنار و حاشیه قرار گرفته است؛ یعنی چاشنی برنامه است که شرایط مدرسه را مطبوع تر و جذاب تر می نماید و آن بخش انتظاراتی را که برنامه درسی نمی تواند به آن بپردازد؛ در این مجموعه فعالیتها مورد توجه قرار می دهد.

یکی از مهم ترین دلالت های این شرایط در نظام آموزشی این است که دیگر نظام آموزشی نمی تواند با الگوی سنتی برنامه درسی یعنی موضوع محوری و انتقال دانش های طبقه بندی شده هر حوزه، جوانان و نوجوانان و کودکان را برای زندگی سالم و صحیح در جامعه آماده نماید. مدرسه

باید تلاش خود را روی پرورش مهارتها و توانایی هایی قرار دهد که نسل نوحاسته بتواند در آینده متحول، حیات بانشاطی داشته باشد؛ نه این که با ذهنی پر از اطلاعات و فاقد مهارتها و قابلیت های اساسی از مدرسه خارج شوند و ناچار به یادگیری آنچه واقعا نیاز دارند اقدام کنند. این خامی فقدان مهارت برای کودکان و نوجوانان مشکلات زیادی ایجاد می کند. به این منظور برخی صاحب نظران تغییر الگوی برنامه ریزی درسی و حرکت به سوی فعالیتهای فوق برنامه را پیشنهاد می کنند. (به نقل از سلسبیلی ، ۱۳۸۳)

فعالتهای فوق برنامه یکی از مفاهیمی است که در ادبیات تربیتی ایران مدتهاست مورد توجه قرار گرفته است و این فعالتهای فوق برنامه (همچون سرود، تئاتر، کلوپهای ورزشی و هنری) بخشی از برنامه های رسمی و غیر رسمی دانش آموزان را در بر می گیرد که در خارج از کلاس و مدرسه به عنوان راهبردهای دانش آموزان در عبور موفقیت آمیز از موانع برنامه درسی طرح می گردد و این گونه فعالتهای مشارکت دانش آموزان و معلمان به فعلیت می رسد و موجب غنای برنامه درسی و تعمیق یاد گیری می شود و همچنین توجه به استعدادها و نیازها و علایق متفاوت دانش آموزان در پرورش توانمندیهای بالقوه آنان برای انجام وظایف و مسئولیتهای فردی و اجتماعی مورد تایید است و از طرفی تاثیر متقابل این برنامه ایجاد پیوند بین مدرسه و جامعه را به دنبال خواهد داشت که این ارتباط از دو ویژگی تنوع و عدم تمرکز در طراحی و اجرا برخوردار خواهند بود اما این فعالتهای باید در مدارس ابتدایی چگونه باشند و از چه نوع باشند ؟

برای پاسخ به این سوال یکی از راههایی که وجود دارد رجوع به تجربه دیگران و بومی سازی آن با اهداف آموزش و پرورش کشورمان است. زیرا تحلیل و شناخت جنبه های مختلف نظام های

آموزشی کشورهای دنیا می تواند، برنامه ریزان آموزشی، مدیران موسسات تربیتی و مربیان را در حل و فصل مسائل آموزشی یاری دهد و بصیرت و افق دید آنها را نسبت به نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی خود وسعت بخشد. نگاهی دقیق به طرز عمل مرکز تعلیم و تربیت کشورهای دیگر زمینه انتقاد و حل مسائل نظام آموزش و پرورش را فراهم می سازد و اداره کنندگان چنین نظامی را در کشف حقایق تربیتی و تحلیل اشتباهات آموزشی و اتخاذ تدابیری در جهت رفع به موق مشکلات یاری دهد. مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش به ما کمک می کند تا دریابیم دیگران در راه ساختن نظام آموزشی خود چه اقداماتی به عمل آورده اند. (آقازاده، ۱۳۸۳، ص ۲۶)

مسأله ما چگونگی اجرای فعالیت های فوق برنامه و ارائه راه حل های مناسب برای پیاده سازی آن در کشورمان و همچنین بهره گیری از تجارب کشور آمریکا برای پیشرفت کودکان در مقاطع ابتدایی می باشد.

اهمیت و ضرورت مطالعه :

یکی از وظایف نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه فراهم کردن زمینه و فرصتهای مناسب یادگیری به منظور رشد و شکوفایی استعدادهای گوناگون دانش آموزان است. این امر در دوره ابتدایی با عنایت به ویژگی های دانش آموزان این دوره و اتخاذ تدابیر مناسب آموزشی و پرورشی برای ایجاد نیازهای اساسی و رشد همه جانبه در ابعاد جسمی شناختی اجتماعی و عاطفی و ... می باشد علاوه بر نیازهای متنوع دانش آموزان نیاز برخاسته از شرایط خاص فرهنگی اجتماعی در ابعاد ملی و محلی و همچنین اقتضائات خاص بین المللی نظامهای آموزشی را با چالش های جدی مواجه نموده است این

چالش هادست اندرکاران را ملزم به تفکر و اندیشه در زمینه مسائل اساسی نظام های آموزشی پیش بینی برنامه های مناسب برای مواجهه با آنها کرده است. تدارک برنامه های مناسب برای نظام آموزشی با شرایط امروزی که عصر شتابان رشد و توسعه اطلاعات و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی است در جوامع مختلف متناسب با ویژگی های خاص آن جوامع در ابعاد علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متفاوت خواهد بود ضرورت این نوآوری در دوران ابتدایی و آموزش ابتدایی بیشتر حس می شود چرا که دوران بسیار حساسی است. در مدارس، هدف انتقال دانش نیست بلکه هدف مدارس یادگیری است یعنی ایجاد شرایط برای یادگیری. مدارس بویژه مقطع ابتدایی محل کشف و بروز استعداد های افراد و تمرین و تثبیت آنهاست. کار معلم و مربی هنرمند این است که با فعالیتهای زنده و پویا مفاهیم را به یادگیرندگان عرضه کنند و به رشد همه جانبه دانش آموزان کمک کنند. فرا گرفتن علوم با نشستن بر روی نیمکت مدرسه گوش دادن سخنان معلم میسر نیست، شاید آموزش صرف صورت گیرد اما در آموزش واقعی باید دانش آموز از کلاس بیرون بیاید و وارد زندگی و اجتماع شود. اینکه چرا باید برای فعالیتهای فوق برنامه اهمیت قایل شد، برای آن هزینه نمود، برنامه ریزی کرد و وقت مربیان و دانش آموزان را صرف نمود در این امر نهفته است که جدای از برنامه های آموزشی باید به مهارتهای زندگی که دانش آموزان در آینده درگیر آن خواهند شد توجه نمود.

برای اینکه افراد بتوانند در زندگی دمکراتیک نقش خود را به طور موثر ایفا نمایند می بایستی مهارتهای ویژه ای را کسب نمایند تا از روی اندیشه بر سرنوشت خویش حاکم باشند و در انجام مسئولیتهای خود نقش موثر و سازنده ای را ایفا نمایند. علاوه بر این می توان به موارد ذیل که اهمیت فعالیتهای فوق برنامه را دو چندان می نماید نیز اشاره نمود: زمینه های استقلال کودکان از بزرگسالان فراهم می شود، همکاری و تعاون با دیگران به طور عملی مورد آموزش قرار می گیرد، درک بهتری

از جهان که خود جزئی از آن هستند پیدا می کنند و برای خویش دوستان مناسبی برمی گزینند. (نافیان، ۱۳۸۴، ص ۵۴۱)

فعالتهای فوق برنامه اگر در راستای تحقق اهداف فرایند تعلیم و تربیت کشور طراحی شود و همسو و هماهنگ با علایق، انتظارات و نیازهای مخاطبان انجام شود و هم چنین بر اساس بازخوردهای دقیق، معتبر و مناسب همواره در سطوح مختلف مورد بازنگری قرار گیرد، می تواند اثرات مثبتی را در پیشرفت فرایند کشور داشته باشد و تاثیر و نقش به سزایی در سیر و روند تحولی جامعه ایفا کند. آثار این فعالتهای فوق برنامه، خلق و ایجاد یک تفکر انتقادی در دانش آموزان، رشد شخصیت روانی و عاطفی دانش آموزان، رشد خلاقیت و نوآوری، جامعه پذیری دانش آموزان و . . .

در ایران با وجود رویکرد برنامه ریزی نسبتاً متمرکز بر اساس دیدگاه موضوعی (دیسیپلینی) برنامه ریزی محتوای برنامه های درسی در قالب موضوعات علمی از طریق کتابهای درسی به دانش آموزان ارائه می شود و برنامه های رسمی و سنتی در کلاس ها بیشتر متوجه پرورش حافظه و به کار انداختن قوای ذهنی شاگردان بوده و به رشد جنبه های عاطفی و اجتماعی آنها چندان توجه ندارند در واقع می توان گفت در کشور ما آموزش ابتدایی سالهاست که در داخل کلاس و با استفاده از روشهای سنتی انجام می شود و فراغت دانش آموزان ما بسیار فراوان است و برنامه ریزی و جهت دهی به این اوقات فراغت باید در مدرسه صورت بگیرد تا اثر بخشی و کارایی لازم را داشته باشد و این مورد هم از مواردیست که در حیطه فعالتهای فوق برنامه صورت می گیرد و این فعالیتها لازم است پویاتر و به روزتر باشد تا مدارس و در نهایت کل جامعه پویا شود و برنامه ریزی برای آموزش

و پرورش باید با توجه به آخرین روشهای آموزشی و فنی و پیشرفتهای علمی جهان صورت بگیرد.
(چابک، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳)

کار معرفی و تحقیق درباره نوآوریهای آموزشی و دستاوردهای ناشی از آن در کشورهای مختلف دنیا از زمره وظایفی است که به عهده محققان آموزش و پرورش تطبیقی گذاشته شده است و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی شود. (آقازاده، ۱۳۸۴، ص ۴۰)

با توجه به توضیحات فوق ضرورت دارد برای اطلاع از تجارب کشورهای دیگر در زمینه فوق برنامه از چگونگی این فعالیتها آگاه شده و به مقایسه آن با وضعیت ایران بپردازیم و از تجارب آن کشور بهره گیری کنیم.

مفاهیم و واژگان اختصاصی :

مفاهیم نظری :

مطالعه تطبیقی : تطبیق و مقایسه به عملی اطلاق می شود که در پرتو آن دو یا چند پدیده را کنار هم قرار داده و به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در حیطه آموزش و پرورش این مقایسه یا تطبیق می تواند بین رویدادهای آموزشی در داخل یک نظام آموزش و پرورش یا در سطح وسیعتری ویژگی های گوناگون یک نظام تربیتی با نظام تربیتی ممالک دیگر قرار دهد. (آقازاده، ۱۳۸۲، صص ۶۶ و ۶۵)

اوقات فراغت : به اوقاتی اطلاق می شود که دانش آموز در اختیار خود می باشد. به عبارتی دیگر اوقاتی که خارج از اوقات آموزش رسمی، کار به منظور امرار معاش و انجام امور منزل می

باشد. و غرض آن استراحت، تفریح و یا توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش و یا به ظهور در آوردن استعدادها، خلاقیت و یا بالاخره گسترش مشارکت آزادانه در اجتماع است. اشکال مورد نظر در اوقات فراغت شامل: فعالیتهای ورزشی، فعالیتهای هنری، استفاده از وسایل سمعی و بصری، فعالیتهای تفریحی، مطالعه یا حضور در کلاسهای آموزشی غیر رسمی، شرکت در برنامه های عمومی، مذهبی و سیاسی و فعالیتهای فنی و حرفه ای می باشد. (جمشید و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۸۰)

اوقات فراغت و فعالیت های فوق برنامه از هم جدا نیستند و مسئولین نباید آن را برنامه ای جدا از آموزش ببینند.

فعالتهای فوق برنامه^۱: فعالتهای تقریباً رسمی که به کلاس درس و حتی گاهی به مدرسه محدود نیستند و بیش از هر عامل دیگر از میزان علاقه، تجربه و قدرت معلم و دانش آموز و مدرسه متاثر می شود. این گونه فعالتهای تربیتی را، در مقابل فعالتهای تربیتی برنامه ریزی شده یا رسمی، فعالتهای فوق برنامه یا فعالتهای غیر رسمی می نامند. (شعاری نژاد، ۱۳۸۵، ص ۹۹)

آموزش ابتدایی^۲: به نخستین مرحله رسمی و همگانی اطلاق می شود و پرجمعیت ترین مقطع تحصیلی به شمار می رود. در ممالک مختلف جهان سن ورود و مدت تحصیل در این دوره متفاوت است. معمول ترین سن ورود آغاز تحصیلات رسمی ۵ تا ۷ سالگی است. از اهم تعلیمات در دوره ابتدایی یاددهی مهارتهای اصلی چون حساب کردن، خواندن، نوشتن و استدلال نمودن است و علاوه بر شکوفا کردن استعداد دانش آموزان و ایجاد عاداتی چون هنر گوش دادن، سخن گفتن، مشاهده نمودن در کودکان را می توان از جمله هدفهای این دوره ذکر کرد (آقازاده، ۱۳۸۲، صص ۹۸ و ۹۹)

^۱ - Extra curricular activities

^۲ - Elementary education

مفاهیم عملیاتی :

مطالعه تطبیقی : در این پژوهش بر اساس اسناد، شواهد و مدارک موجود به شناسایی، تحلیل و توضیح شباهتها و تفاوت‌های موجود به فعالیتهای فوق برنامه در دوره ابتدایی در کشورهای ایران و آمریکا پرداخته خواهد شد.

اوقات فراغت : در این تحقیق منظور از اوقات فراغت دانش آموزان مدت زمانی است که دانش آموزان بیرون کلاس درس و تکالیف اجباری آن می توانند هر فعالیتی را به دلخواه و به منظور تفریح، افزایش معلومات و ... انتخاب نمایند. فعالیتهای فوق برنامه در ایران شامل فعالیتهای مذهبی، فرهنگی و ورزشی می باشد. فعالیتهای مذهبی در ایران شامل مواردی همچون برقراری نماز جماعت، جشن تکلیف و مراسم های مختلف مذهبی و فعالیت های فرهنگی هم شامل مسابقات فرهنگی و کتابخانه و غیره می باشد. در زمینه ورزشها هم فعالیت های ورزشی در ایران شامل فوتبال، والیبال، بسکتبال، هندبال، تنیس روی میز، طناب کشی و مهارتهای فردی است. از مدارس فعالیت می کنند. در آمریکا هم مدارس ابتدایی به علت غیر متمرکز بودن مدیریت مدارس هر مدرسه می تواند طرح های مختلفی برای فوق برنامه ارائه دهد. فعالیتهای فوق برنامه در کشور آمریکا عبارتند از: باشگاهها از جمله باشگاههای ورزشی، شنا، علمی، چندفرهنگی و ...، فعالیت ها جسمانی، شطرنج، تئاتر، سرود، انجمن اولیاء و مربیان، مجله ادبی، روزنامه مدرسه، آموزش شهروندی و .

فعالیتهای فوق برنامه : در این پژوهش بر اساس اسناد، شواهد و مدارک موجود، فعالیتهای فوق برنامه از جنبه های مختلف از قبیل شناسایی و مطالعه شباهتها و تفاوتها و تجربیات این کشورها در زمینه فعالیتهای فوق برنامه مورد مطالعه قرار می گیرد .

آموزش ابتدایی : در آمریکا مقطع آموزش ابتدایی ۶-۸ سال و طی رده های سنی ۶-۱۴ سال به طول می انجامد. هدف اصلی برنامه های ابتدایی کسب مهارتها، دانش و گرایشهای مثبت و اساسی توسط دانش آموزان و تاکید بر رشد فردی آنان با توجه به نیازها و توانایی های فردی می باشد. در مدارس دولتی رایگان این آموزش برای کودکان دختر و پسر اجباری است.

www.irancultur.org

سوالات تحقیق :

۱. فعالیتهای فوق برنامه در کشورهای ایران و آمریکا چگونه است ؟
۲. مبانی نظری موجد فعالیتهای فوق برنامه در ایران و آمریکا چگونه است ؟
۳. فعالیتهای فوق برنامه در کشورهای ایران و آمریکا چه تفاوتهایی با هم دارند ؟
۴. فعالیتهای فوق برنامه در کشورهای مورد مطالعه چه شباهتهایی با هم دارند؟

اهداف تحقیق :

هدف کلی :

بررسی تطبیقی فعالیتهای فوق برنامه کشورهای ایران و آمریکا به منظور بهره گیری از تجارب مطلوب فوق برنامه کشور آمریکا برای بهسازی برنامه های امور پرورشی کشورمان در مقطع ابتدایی.

هدف جزئی :

بررسی و تحلیل سیر تحولات فوق برنامه در کشورهای ایران و آمریکا .

شناسایی فعالیتهای کنونی فوق برنامه در کشورهای ایران و آمریکا .

شناسایی تفاوتهای فعالیتهای فوق برنامه در کشورهای ایران و آمریکا.

شناسایی شباهت های فعالیتهای فوق برنامه در کشورهای ایران و آمریکا .

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مقدمه :

مربیان از زمانهای دور در کنار آموزشهای رسمی فعالیتهایی را برای کودکان در نظر گرفته بودند که هدف عمده این فعالیتها آماده کردن کودک برای زندگی واقعی بود البته این نوع فعالیتها که امروز از آن به عنوان فعالیتهای فوق برنامه یاد می کنند، در جوامع مختلف به صورتهای گوناگون ارائه می شد و طیف وسیعی از این فعالیتهای ورزش گرفته تا فعالیتهای هنری و کاردستی و مهارتهای فنی را در بر می گرفت. " به عنوان نمونه این فعالیتهای ابتدا در دانشکده های آمریکا بوجود آمد. که دانشجویان این فعالیتهای را نوعی آزمایشگاه برای عتایق حرفه ای و عملی خود یافتند."

<http://en.wikipedia.org>

اما از آنجا که بررسی فوق برنامه در کشورهای مختلف از حوصله این نوشتار خارج است، لذا به معرفی نظام های آموزش و پرورش کشورهای ایران و آمریکا می پردازیم، سپس فعالیتهای فوق برنامه را در قالب نظام آموزشی و در شکل کنونی مورد بحث قرار می دهیم.

اهداف و وظایف آموزش و پرورش

یکی از وزارتخانه های مهم و مؤثر در تکوین و رشد شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان کشور، وزارت آموزش و پرورش است. این وزارتخانه از یک سو رسالت پرورش انسان های سالم، مؤمن، خلاق، بالنده، متعادل و مهارت یافته را به عهده داشته و از سوی دیگر، مسئولیت آموزش دانش آموزان کشور برای ورود به دانشگاه ها و مدارس عالی با اشتغال مفید را در جامعه بر دوش می کشد.

با توجه به رشد روزافزون جمعیت کشور، تنوع نیازهای فردی و اجتماعی، گسترش علوم تکنولوژی و ضرورت اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی، ارتباط مؤثر تحصیلات پیش دانشگاهی با تحصیلات دانشگاهی و اشتغال در بخش های صنعتی، خدماتی و کشاورزی، استقبال از تحصیل در دوره های گوناگون افزایش یافته و تعداد مدارس و دانش آموزان افزایش یافته و این امر اهداف سازمان آموزش و پرورش را پیچیده تر و مأموریت آن را گسترده تر و رسالت این دستگاه را سنگین تر کرده است.

کار کردن و مؤثر بودن در این سازمان و ایفای نقش های برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی، کنترل و ارزش یابی مستلزم آگاهی از اهداف و وظایفی است که به موجب قانون به عهده ی این وزارتخانه گذاشته شده است. بر اساس قانون مصوب ۱۳۶۶ در ۴ فصل و ۱۳ ماده و ۹ تبصره اهداف و وظایف آموزش و پرورش تنظیم گردیده است. که بر حسب مورد به تعدادی از آن ها اشاره شده می شود:

- ۱- تأمین و تدارک نیازمندی های آموزشی و پرورشی.
- ۲- تحت پوشش قرار دادن کلیه ی کودکان لازم التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی.
- ۳- تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ی مردم تا پایان دوره ی متوسطه.
- ۴- آموزش مستمر معلمان و کارکنان وزارت به منظور ارتقای سطح توانایی شغلی آنان.
- ۵- تأمین نیاز نیروی انسانی آموزشی و پرورشی وزارت از طریق ایجاد دانش سراها، مراکز تربیت معلم و ...
- ۶- ایجاد و انتقال رفتارها و نگرش های مطلوب و مورد نیاز جامعه به فراگیران از طریق برنامه های درسی با هدایت معلمان و ... (صافی، احمد، ۱۳۷۳، ص ۵۰ - ۵۳)

تکمیل و پرمایه ساختن برنامه ی تحصیلی (درس رسمی) :

برنامه ی درسی، هر قدر جامع و تازه باشد، باز هم محدودیت و نقص خواهد داشت زیرا ثابت و تغییر ناپذیر است؛ بنابراین برنامه های فوق برنامه می تواند این کمبود و نارسایی برنامه ی درسی را جبران و کامل سازد. بدین ترتیب که نوجوانان در فعالیت هایی شرکت می کنند که در برنامه ی درس رسمی، وقت کافی برای انجام دادن آن ها وجود ندارد و غالباً این گونه فعالیت ها برای دانش آموزان سودمند است؛ مثلاً برای کمک به یادگیری درس زبان خارجی می توان با ترتیب دادن نمایش هایی که به آن زبان اجرا می شوند، فعالیت های خارج از کلاس درس انجام داد یا به تشکیل گروه های هنری و تحقیقی به تربیت هنری و فکری و علمی دانش آموزان کمک کرد.

در برنامه های درسی (رسمی) زمان، یک متغیر مهم است بعنوان مثال، زمان مورد نظر در یادگیری کودکان یا نوجوانان و بزرگسالان می تواند متفاوت باشد؛ آن ها در یک زمان معین از قدرت یادگیری متفاوتی برخوردارند، در جایی که فراگیران، نوجوانان هستند ۴۵ تا ۶۰ دقیقه را ترجیح می دهند. نیل ویلین (۱۹۶۸) با استفاده از یک تحقیق در مورد کارآموزان دریافته اند که نتایج حاصله از ۵ جلسه ی یک ساعته در ۵ روز متوالی، به طرز قابل ملاحظه ای بهتر از ۱۰ جلسه ی کوتاه مدت نیم ساعته بوده است. اما به طور کلی بزرگسالان در طول زمان بیشتری حوصله ی یادگیری دارند، ولی کودکان زودتر خسته می شوند. با این حال بهترین زمان جلسات آموزش برای کودکان بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه، جوانان و نوجوانان ۴۰ تا ۶۰ دقیقه و بزرگسالان ۶۰ تا ۹۰ دقیقه است.

اصول چهارده گانه کیفیت جامع (در نگرش سیستمی)

دکتر دمینگ استاد آمار دانشگاه های آمریکا با در نظر گرفتن ۴ محور عمده و اصلی :

۱-ضمن ارج نهادن به دیدگاه کل گرا، نگرش سیستمی در نظام به وجود آورد.

۲- برای شناخت عوامل به وجود آورنده تغییرات از روش های تحلیل آماری بهره جست.

۳- برای پیش بینی رویدادهایی که فرآیند عملیات را تحت تأثیر قرار می دهد از نظریه شناخت یاری گرفت.

۴- برای افزایش مشارکت افراد از ابتدا تا انتهای فعالیتهای آنها باید در نیروی انسانی به وسیله دانش روان شناسی انگیزش لازم را ایجاد نمود.

نظام اصولی را پیشنهاد کرده است که به اصول چهارده گانه کیفیت جامع، معروف است.

اصل اول :

هدف های نظام را مشخص کنید و کوشش نظام را از طریق بهبود مداوم فعالیت ها به سوی تحقق آن ها هدایت نمایید.

اصل دوم:

انتظارات برای پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان را در سطحی بالاتر از سطح معمولی برقرار کنید. از تدوین و اعمال سیاست هایی که منجر به عدم ارتقاء یادگیرندگان می شود، خودداری نمایید.

اصل سوم:

در آغاز برنامه های درسی برای جبران نارسایی ها و کمبودهای رفتار ورودی یادگیرندگان را یاری دهید.

اصل چهارم :

افزایش کارآیی درونی و کارآیی بیرونی نظام آموزشی را به طور مستقیم مورد توجه قرار دهید.

اصل پنجم :

برای تشخیص کژی ها و کاستی های نظام آموزشی به طور مستمر مسأله یابی کنید.

اصل ششم:

به منظور تدریس با کیفیت مطلوب، به ارتقاء دانش و توانایی معلمان، پردازند.

اصل هفتم:

به منظور ایجاد جو زنده تشکیلاتی و برقراری تبادل نظر میان مدیران و همکاران، ارتباط دو طرفه میان مدیران نظام آموزشی و اعضای گروه های آموزشی و غیر آموزشی فراهم سازید و همکاری میان آنان را پرورش دهید.

اصل هشتم:

به منظور برقراری ثبات و تداوم سازمانی و ایجاد روحیه همکاری و احساس تعلق خاطر گروهی، احساس رعب و وحشت و تفتیش همکاران را از میان بردارید.

اصل نهم:

برای مشارکت همه ی اعضای در امر برنامه ریزی، برای بهبود فعالیت ها و برقراری ارتباطات نهادی میان واحدها و بخش های سازمانی، موانع ارتباطی را حذف کنید.

اصل دهم:

از ذکر و یادآوری شعارهای دور از عمل و غیرواقعی خودداری کنید و روش های غیراثربخش را در نظام آموزشی به کار نبرید.

اصل یازدهم:

استقلال رأی معلمان و مدرسان را رعایت کنید.

اصل دوازدهم:

یادگیرندگان را از طریق نمره گذاری نامطلوب پیشرفت تحصیلی آنان دل سرد نکنید.

اصل سیزدهم :

آموزش مداوم برای اعضاء آموزشی و غیرآموزشی را برنامه ریزی و اجرا کنید.

اصل چهاردهم :

برای بهبود مستمر نظام آموزشی و تحقق هدف های آن ساختار مدیریت آن را مشخص و

معین کنید.

تأثیر اجرای اصول کیفیت جامع در دوره های تحصیلی

به کارگیری اصل کیفیت جامع بعنوان یک رهیافت اساسی در دوره های تحصیلی نظام

آموزشی می تواند :

۱- جو لازم برای مشارکت معلمان در تدوین فعالیت های اساسی مدارس ایجاد نماید.

۲- به توسعه واقع بینانه فعالیت ها کمک کند.

۳- معلمان را با روش های فعال در فرآیند تدریس و یادگیری آشنا می سازد.

۴- نگرش معلمان را نسبت به برنامه درسی و شیوه ارزش یابی از دانش آموزان تعدیل می کند.

۵- اعضاء غیرآموزشی مدارس را نسبت به وظایفشان بیشتر آشنا می سازد.

۶- در پرسنل و عوامل اجرایی و اولیاء انگیزه قوی برای انجام مسئولیت های محوله ایجاد می کند.

۷- کارآیی درونی و برونی نظام آموزشی را در سطوح و دروه های مختلف تحصیلی افزایش می دهد.

(یونسکو، ۱۹۹۸)

سازمان جهانی یونسکو و آموزش و پرورش

سازمان جهانی یونسکو برای آموزش و پرورش قرن بیست و یکم ۶ اصل زیربنایی را در نظر

گرفته که عبارتند از :

۱- آموزش و پرورش یک حق اساسی انسانی و یک ارزش جهانی است و باید در طول زندگی در دسترس تک تک افراد قرار گیرد.

۲- آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی هر دو باید بعنوان وسیله پرورش خلاقیت پیشرفت و انتشار دانش قرار گیرند.

۳- اهداف سه گانه {۱- برابری فرصت های آموزشی ۲- تناسب محتوای آموزش و پرورش با نیاز جامعه ۳- ارتقاء کیفیت آن} باید مبنای اتخاذ تصمیمات، برنامه ریزی ها و اقدامات گردد.

۴- بازسازی و اصلاح آموزش و پرورش باید بر اساس درک اساسی از اقدامات موفقیت آمیز و بر مبنای زمینه ها و نیازهای محلی استوار باشد.

۵- علی رغم تفاوت نگرش ها و روش های توسعه آموزش، ارزش های پایه بین المللی و سازمان ملل متحد باید مورد لحاظ قرار گیرد.

۶- آموزش و پرورش مسؤول کل جامعه است. همه افراد علاقه مند باید مدنظر باشند.

چهار ستون یادگیری

مراحل یادگیری :

از دیدگاه یونسکو، یادگیری با کسب معلومات (حیطه دانشی) شروع می شود و با تصرف معلومات ادامه پیدا می کند. تصرف معلومات بدین معنا که با دیدن تفاوت ها و شباهت ها در معلومات خود، قاعده ای را برای آن ها می سازد و دارای شرایطی چون زمان ، سکوت، کسب معلومات جدید و تدریجی بودن است. مراحلی نیز دارد که شامل : بررسی و تشخیص اطلاعات مهم و غیرمهم ، تشخیص تشابهات موجود در اطلاعات، توانایی قاعده ساختن از اطلاعات، توانایی اطلاعات ساختن از قاعده، توانایی بررسی روابط علت و معلولی، بازی با علت و معلول و بازی با